



مسابقات سوار کاری کورس کشور در مشهد، عکس از صادق ذباح

پیاده‌روی مردان اماراتی و شترهایشان در صحرای «لیوای ابوظبی، عکس از خبرگزاری فرانسه



شیرین کاری موتورسواران هندی در یک شهر بازی در «گوچارات» این کشور، عکس از بار کرافت میدیا

دنیانه روایت تصویر

- در محضر بزرگان

ریشه مسخره کردن دیگران نادانی است



است! گویند: شخصی، به بزرگی که چهره نسبتا زشتی داشته ایراد می گیرد و طعنه ای می زند، او در جواب می گوید: «آیا بر نقش ایراد می گیری یا بر نقاش؟»

بر گرفته از کتاب «کنه ها از کنه ها»

- داستان‌های واقعب

نگذاشتم تنها دارایی ام دست‌بعثی‌ها بیفتند

سیدناصر حسینی پور جانباز و آزاده دفاع مقدس، در خاطرات خود از زمان اسارتش به دست رژیم بعث عراق نوشته است: سرگرد دستور داد جیب‌هایم را تفتیش کنند. پیراهن سبز رنگ دو جیب کراهی تنم بود. جیب‌هایم را گشتند، چیزی همراهم نبود. ساعت مچی‌ام توجه یکی از نظامیان را جلب کرد. برای این که ساعتم را درآورد باید دستم را باز می کرد. سیم تلفن صحرایی را از دستم باز کرد. نفس راحتی کشیدم، از پس دستانم را محکم بسته بودم. جای سیم‌ها روی دستم کیود شده بود. نظامی که جوان‌تر بود، دستم را گرفت تا ساعتم را درآورد. با اشاره دستم بهش فهماندم که درش می‌آورم بهت می‌دهم. دستش به طرفم دراز بود تا ساعتم را بگیرد. ساعت را که درآوردم، انداختمش توی آب. عاقبت این کار را می‌دانستم. بهار سال ۱۳۶۶ در کردستان ساعتم را با برادرم عوض کرده بودم. بعد از شهادتش تصمیم گرفتم ساعت را برای یادگاری نگه دارم. برایم سخت بود ساعت مچی برادر شهیدم روی دست کسانی باشد که قاتان او بودند. در آن لحظه این تنها چیزی بود که به آن فکر می کردم. برایم مهم نبود به خاطر این کارم چه برخوردی با من می کند. پیه همه چیز را به تنم مالیده بودم. حق داشت عصبانی شود.[بعد از چند ضربه] احساس کردم عقده‌اش کمی خالی شد. به خاطر کاری که کرده بودم احساس خوبی داشتم. آن لحظه در خیالم به برادرم فکر می کردم که بهم می گفت ناصر ساعت من دست عراقی‌ها چه می کند و اگر ساعت را می بردند، برایم خیلی سخت بود!

- فتونکته



- بریده‌ها

نیاز به حرف زدن درباره کتاب‌ها

حالا فقط یک نیاز را احساس می کرد. این که رعتا را ببیند و در مورد «دن آرام» با او صحبت کند. ترلان نیاز به حرف زدن در مورد کتاب‌ها را از همان موقع شناخت. نیازی ساده است ولی به سختی برآورده می شود. نمی‌شود با کسی حرف زد که فقط به سختی مند است و با تأیید سرش را می جنباند. نمی‌شود فقط با هر کتابی جهانی است که باید هر دو به آن سفر کنند، آن را کشف کنند و با فهم اشاردها و نشانه‌ها در لحظه‌های لذت‌بخش هم‌زبانی زندگی کنند. بر گرفته از کتاب «ترلان» اثر فریا وفی

- یادش بخیر



نویسنده: سیدمصطفی صابری، تصویرساز: سعیدمرادی

- اندک صبر

تقویم دل

فلسفه گذر این روزها را نمی دانم وقتی تقویم دلم هیچ روزی از هفته را

برای آمدنت تیک نزده است

دیدار با مادر، ۴۰ سال بعد از مرگش!



آدیتی سنترال/ فرزندان «چترام» زن روستایی هندی که ۴۰ سال پیش، مادرشان را که فکر می کردند بر اثر نیش مار کبری مرده به رودخانه سپردند، هرگز فکرش را هم نمی کردند که مادرشان ۴۰ سال بعد به دیدنشان بیاید! این زن در تمام طول این ۴۰ سال زنده بود و به دلیل این که از حالت اغما بازگشته بود حافظه اش را از دست داده بود و در یک معبد زندگی می کرد اما ناگهان در ۸۲ سالگی حافظه اش را به دست آورد و به خانه اش برگشت!

صاحبخانه خیلی خسیس!



آدیتی سنترال/ مستاجر بخت برگشته ای در آپارتمان کوچکی در «ملبورن» استرالیا از صاحبخانه اش شکایت کرد. او می گوید علاوه بر این که پول همه قبض ها را باید پرداخت کند و برای شست وشو هم پول اضافه ای به صاحبخانه می پردازد، برای هر بار استفاده از سیفون دستشویی هم باید در دستگاهی که صاحبخانه خسیس او ساخته است، سکه بیندازد تا سیفون کار کند! هر چند صاحبخانه گفته است برای کمک به مصرف آب این کار را انجام داده است، اما سوال اینجاست که چرا این پول باید به جیب او برود!

قصر اشباح



اسکای نیوز/ «سلیوا» ملکه کشور سوئد، به تازگی در یک فیلم مستند ادعا کرده است کاخ سلطنتی آن‌ها در «استکهلم» پر از اشباح است! هر چند او گفته است که این اشباح بسیار مهربان و صمیمی هستند و حالا که کاخ خالی از سکنه است، از آن مراقبت می کنند! این ملکه ۷۳ ساله که از ۴۰

سال پیش، با پادشاه این کشور ازدواج کرده است می گوید شما هیچ وقت در این کاخ احساس تنهایی نخواهید داشت چرا که حضور اشباح به وضوح احساس می شود!

- شعر طنز

چشم‌ها را باید شست!

می خرم جنس های ایرانی نشده عایدم پشیمانی!
راحتم توی روز بارانی
در گرازشگری: «خیابانی!»
سینما هم که هست «جیرانی!»
در حد لیگ های استانی!
می کند نقدهای توفانی

همچنین دوغ و چایی و رانی نیست مثل گلاب کاشانی هست بهتر ز سیب لبنانی؟
می شود جانشین سلطانی؟
نام آن را خودت که می دانی
ظرف های درون مهمانی کت و شلوار انگلستانی
چاقوی خوب دسته زنجانی!
هست ممکن خطای انسانی)
می شود در وطن فراوانی
می رود توی سفره ها نانی
از همان سن کودستانی!
این سخن بود حرف پایانی.
امیرحسین خوش حال

- زوم



سد یخ زده روستای «ینگچه» نیشابور، عکس از روحا... یساقی



کفاش عصبانی!



- دی روزنامه

انتظار برای منفورترین پیامک

داستان این یارانه‌ها هم شده همان مثل معروف «اول مرغ بود یا تخم مرغ» دیگر در این سال‌ها یادمان رفته که یارانه چه بود و چطور راه افتاد و الان چقدر است و به چه دردی می‌خورد و چرا این قدر هی قطعش می‌کنند و باز وصلش می‌کنند و بعد تهدید به حذف می‌کنند و باز خوش خبری برای اضافه شدن می‌دهند. سرانگشتی حساب کردیم بر اساس شایعات و واقعیات تا حالا حدوداً یارانه صد میلیون نفر قطع و باز وصل شده است! در همین راستا وزیر کار و رفاه گفت: «حدود ۷ میلیون نفر درآمد بسیار بالایی دارند. سال گذشته یارانه ۴ میلیون نفر را حذف کردیم و اکنون برای ۳ میلیون نفر پیامک می‌زنیم که بداندنند مشمول حذف یارانه خواهند بود.» شب عیدی خبری فجیع‌تر از این نمی‌شد بهمان برسد که رسید.

تا دیروز از صدای پیامک گوشی حرص می‌خوردیم که با باید در مسابقه فلان چیز طلایی شرکت کنیم و خودروی شاسی بلند برنده شویم، یا بسته اینترنت‌مان تمام شده یا تبلیغ تخفیف سنگ توالت و تور اروپا و آهنگ پیشواز جدید بود. الان دل توی دل مان نیست که هر پیامکی که می‌رسد خبر قطع یارانه باشد و آرزو می‌کنیم کاش همان ایرانسل و همراه اول و دوم و دهم روزی صد تا پیامک بدهند و حتی بانک‌ها هی پیامک کسر کارمزد بدهند، ولی از طرف وزارت رفاه چیزی بهمان نرسد!

البته این پیامک چیز بدی هم نیست، به قول بچه‌ها خیلی هم با کلاس و «لاکچری» است. وقتی در کل کشور ۷ میلیون نفر پولدار هستند، همین پیامک نشان می‌دهد که ما هم جزئی از آن وضع درست‌ها هستیم و می‌توانیم عکس پیامک را توی صفحه‌مان بگذاریم و پز بدهیم. ولی اگر نمی‌خواهید لوکس باشید، راه حل دارد. ترفند نرسیدن این پیامک غم‌انگیز خیلی ساده است، گوشی تلفن را خاموش کنید تا پیامک بهتان نرسد! حتی می‌توانید سیم کارت‌تان را عوض یا گم کنید یا بسوزانیدش تا مطمئن باشید که دیگر این پیامک بهتان نمی‌رسد! اگر این کار باریتان سخت است، صدای گوشی را قطع کنید تا متوجه نشوید کی پیامک رسید و بعد اگر چشم‌تان بهش افتاد، بگویید «عه! این کی اومده بود؟»

دیگر شتری است که در هر حسابی می‌خوابد، امروز قطع نشود، ماه دیگر قطع می‌شود. چه بهتر الان که گوش‌ت به ۴۰ هزار تومان رسیده یارانه‌مان قطع شود تا کمتر نبودش را حس کنیم!

علیرضا کاردار

- نیاز طنزها



نویسنده: علیرضا کاردار

- رادییوالان

نظر دانشمندان درباره استعفای کی‌روش!

سلام و خدا قوت، بشر هر قدر هم پیشرفت کنه و حتی به قضا بره باز هم روی خود کره زمین یکسری رازها هست که کشف نمی‌شه از جمله این که چرا آقایون موقع گذاشتن اشغال دم در احساس قدرت می‌کنن و طوری زست می‌گیرن انگار وزنه بلند کردن و وسط مسابقه قوی‌ترین مردان کوچه هستن! یا چرا خانم‌ها بعد از پارک کردن و درست لحظاتی قبل از پیاده شدن تو آینه‌ها ماشین رو نگاه می‌کنن در حالی که دهنشون هم بازه! یکی دیگه از این راز های عجیب علت استغفاهای مکرر کارلوس کی‌روش سرمربی تیم ملی یه! آخه دیروز خبر رسید کارلوس کی‌روش سرمربی محترم تیم ملی کشورمون برای بار 11 ام استعفا داده! راز بعدی بشر هم اینه که چرا کی روش که رگوردر استعارو داره هنوز سرمربی تیم ملی هم هست! (البته اگه تا وقتی شما این مطلب رو می‌خونین اتفاق عجیبی نیفته) دانشمندان زیادی روی حل این معما کار کردن و به نتایج عجیبی رسیدن! بعضی‌ها می‌گن کارلوس کی‌روش اول استعفا بوده بعدش دست و پا درآورده! بعضی‌ها هم می‌گن علت اصلی استعفای کارلوس کی روش قیمت پایین نور ۴ روز و ۳ شب استانبوله! اونم در شرایطی که به‌خاطر بمب گذاری‌ها تورتر کیه ارزون شده، کی روش طفلکی هم که به‌خاطر بیانیه دادن علیه برانکو و مصاحبه‌های مکرر خسته است سه روز سه روز استعفا می‌ده! یک تورتر کیه می‌ره و برمی‌گرده! بعضی‌ها هم می‌گن کی روش با شبکه‌ای فیلم کل کل داره و می‌خواد روی اون‌ها رو تو تکراری بودن کم کنه! اون‌ها هی سریال تکراری می‌ذارن! کی روش هم به صورت تکراری هی استعفا می‌ده! بعضی‌ها هم می‌گن کی روش نشسته بود داشت زندگیش رو می‌کردو شاکی بود از دست فدراسیون و می‌گفت: «این فدراسیون فوتبال ایران که مدیریت درست و حسابی نداره! خب چرا مسئولانش استعفا نمی‌دن!» در همین لحظه دوستش تو تلگرام براش این جمله حسین پناهی به نقل از کوروش کبیرو فرستاد که: «همیشه اون تغییری باش که انتظار داری تو دنیا رخ بده!» بعدش کی‌روش زد زیر گریه و شروع کرد به استعفا دادن و به جای همه مسئولان ورزشی یکی یک دونه استعفا داد! یکسری هم معتقدن کی روش دید ۷ تا بازیکن پرسپولیس رو از اردو انداخت بیرون کلی بهش توجه شد! بعدش مربی‌ها و دستیارانش رو از اردوی دیی دییورت کرد بازم کلی سرو صدا راه افتاد! تهنش دید کسی دورو برش نیست بنذاره بیرون و حاشیه ایجاد کنه خودش استعفا داد تا هجانش نخواه و سایت‌ها و روزنامه‌های ورزشی به حیاتشون ادامه بدن! پیش‌بینی میشه اگه استعفای استاد قبول نشه حرکت بعدیش برای جلب توجه اینه که از دوی تیم ملی می‌ذاره و تنها بازیکنان دعوت شده فردوسی‌پور، کفاشیان وتاج خواهند بود! شما هم اگه عکس با لباس ورزشی و توپ برای کی‌روش ایمیل کنید شانس دارین!

سیدمصطفی صابری

- قصارزاده



نویسنده: سیدمصطفی صابری، تصویرساز: سعیدمرادی

- ماوشما

شماره پیامک: ۲۰۰۰۹۹۹

* این مسابقه «این کیه؟» کلا خیلی بی‌مزه است. احمد تریبی * به عنوان یک خواننده دائم «زندگی سلام» می‌گویم اختصاص دادن مطالبی به نوجوانان و کودکان بسیار شایسته است اما کل دو صفحه شنبه به نظر من جذابیت روزنامه رو کم می‌کنه. این دو صفحه، می‌تونه طی هفته باشه.

* «جایب دنیا» ستون جالبیه، بیشترش کتین لطفا.

غیای * من هم با اون خانم یا آقای که گفته بودن روزنامه جای تشکر کردن نیست موافقم. آدم که همسرش رو توی خانه می‌بینه همون جا ازش تشکر کنه دیگه. نیازی به روزنامه نیست. حنا کدخدایی، مشهد * نیستی و کوچک‌های تنهایی‌ام را هیچ شمع‌ی روشن نمی‌کند. بی تو، هر شب شام غریبان من است.

مسعود مجنون پور، مشهد